

نقش مدارس نظامیه و مناظرات طلاب در تحول فرهنگی و آموزشی عصر آل بویه

ناصر سرگزی^۱

علی اکبر خدری زاده^۲

محمد کلهر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

چکیده

در عصر آل بویه با تشکیل مدارس، مجالس علمی و شرکت صاحبان اندیشه و حمایت از افکار و اندیشه های علمی و مذهبی به شبهات و ایرادات مخالفان پاسخ می دادند و ویژگی های برجسته دوره آل بویه، برگزاری مناظرات و نشست های علمی و فرهنگی و اهمیت به مبانی عقل گرایی بود. این گرایش به عقل گرایی ناشی از عواملی چند بود. نخست، تأثیر عمیق مکتب های فلسفی یونانی و ایرانی که از طریق ترجمه آثار فلاسفه بزرگی چون ارسطو و افلاطون به جهان اسلام راه یافتند. دوم، حمایت حاکمان آل بویه از دانشمندان و فیلسوفانی که تفکر عقل گرایانه را تبلیغ می کردند. این حاکمان برای تثبیت مشروعیت خود در برابر جریان های فکری رقیب، به ویژه اهل حدیث و جریان های افراطی، به تقویت عقل گرایی روی آوردند. سوم، تقویت نقش علم در حل مسائل عملی و اجتماعی جامعه، از جمله مسائل حقوقی و آموزشی، که نیازمند مبانی عقلانی بود، این گرایش را پررنگ تر کرد. در این دوره، مرکز خلافت اسلامی به مرکز تبادل آراء و تعاملات فرهنگی تبدیل شده بود و فرصت ظهور و بروز اندیشه های مختلف هم فراهم بود.

این تحقیق با روش تاریخی مبتنی رویکرد توصیفی - تحلیلی می کوشد تا نقش مدارس نظامیه و مناظرات طلاب در تحول فرهنگی و آموزشی عصر آل بویه را مورد واکاوی قرار دهد. حکام آل بویه با حمایت همه جانبه از تشکیل مدارس، جذب اندیشمندان و گسترش مجالس به رشد و توسعه آموزش های کلامی، دینی و علمی کمک شایانی نمودند. در این دوره همگرایی میان آل بویه، امامیه و معتزله پدید آمد و توجه به عقل گرایی باعث شکوفایی همه جانبه علمی شد. این امر، دستاوردهای زیادی همچون گسترش مدارس، پرورش عالمان، افزایش مناظرات و پیشرفت معارف مختلف را فراهم گردید و در نهایت منتج به شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

کلیدواژه ها: آل بویه، مدارس، دارالعلم، مناظرات، عقل گرایی.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران n.sargaz@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران (نویسنده مسئول) khedrizedeg@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.

مقدمه

پیش از آل بویه، اقدامات فرهنگی و آموزشی سامانیان بستری پدیدار آورد که در آن افراد اندیشمند و اشخاص فرهنگی در رأس امور آموزشی و دیوانی قرار گرفتند. با تضعیف سامانیان و روی کار آل بویه، جهش آموزشی در فرهنگ و تمدن نصیح گرفت. آل بویهکه بوئیان نیز نامیده می شوند(۳۲۲- ۴۴۸ ق). حکومتی ایرانی تبار از دودمان دیلمی شیعه زیدی مذهب در دوران پس از اسلام است که طی حدود ۱۲۰ سال در جهان اسلام، فرمانروایی کردند. ایجاد مدارس و شکل گیری مجالس و انجمن های علمی و ادبی در دوره های مختلف اسلامی و در مکانهای گوناگون، کم و بیش رایج بوده و فراز و نشیب آن به میزان آزادی و استقلال فکری در جامعه و روحیه علم دوستی سلاطین و خلفا بستگی داشته است. اگرچه جلسات و مناظره قبل از اسلام در میان اعراب رایج بوده، اما عواملی همچون نهضت ترجمه، ایجاد دارالعلم ها، تأسیس بیت الحکمه، وجود مکتب معتزله و پیدایش علم کلام در ایجاد مدارس و تشکیل مناظرات و شکوفایی علمی در عهد آل بویه بسیار مؤثر بوده است.

با گذشت زمان، ایجاد مدارس و برپایی مجالس ادامه یافت، اما موضوعات مورد بحث تفاوت و تغییر کرد، بیشتر رویکردها، فقهی در مدارس، تفسیر قرآن بود، اما در دوره های بعدی رویکرد مجالس و محافل علمی به سوی علمی و عقلی گرایش یافت. این روند و گرایش به مباحث عقلی و علمی ادامه داشت تا نوبت به دره آل بویه رسید. مجالس و محافل این دوره به طور کلی حوزه های فکری، دوره آل بویه را از سایر دورانها متمایز ساخت. استفاده از استدلال عقلی جایگاه ویژه ای داشت. تقریباً در همه مباحث فقهی و اعتقادی راه یافت. آل بویه که از شمال ایران برخاسته بودند توانستند اولین حکومت شیعی را در بخش های وسیعی از ایران و عراق تأسیس نموده و بر دستگاه خلافت عباسی مسلط شوند عصر آل بویه بی گمان اوج دورانی بود که آن را تمدن اسلامی نامیده اند و از بسیاری جهات دوره عظمت و شکوفایی فرهنگ اسلامی در قرون اولیه هجری محسوب می شود.

در قرن چهارم، علمای شیعه به رغم محدودیت هایی که داشتند در ایجاد مدارس دینی نسبت به سایر رهبران فریق اسلامی پیشتاز بودند. آنان در ابتدا در مساجد و منازل خود به امر آموزش می پرداختند. استفاده از منازل به عنوان مراکز آموزشی از زمان پیامبر اسلام اکرم(ص) برای تعلیم مبادی دین اسلام و تربیت مسلمانان و اصحاب از ان استفاده میکردند(شبلی، ۱۹۵۴: ۴۸-۴۷). در این عصر، شیخ مفید و بوعلی سینا از جمله کسانی بودند که در خانه های خود

تدریس میکردند (قفطی، بی تا، تاریخ الحکما، ۴۲). مدارس و حوزه های علمی شیعه طی قرون متمادی در گسترش و تعمیق فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسیار مهمی را ایفا کردند. دانشمندان شیعی به پیروی از آموزه های قرآن کریم و تعالیم ائمه معصومین (ع) در مسیر تعلیم و تعلم از روشهای علمی و توحیدی برخوردار بودند. بررسی تاریخ اسلام نشان می دهد که هیچ گاه مدارس و حوزه های علمی و فرهنگی از حضور بزرگان شیعه خالی نبوده است. زمینه پیدایش مدارس در سده های نخستین اسلام به وجود آمد، ولی در کتابهای تاریخی، ایجاد فضای جداگانه تحت عنوان مدرسه برای تدریس معارف اسلامی از پدیده های قرن چهارم هجری نقل شده است. نخستین گروهی که به تأسیس بنای مدارس اسلامی اقدام کردند، شیعیان بودند (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۴۹) مدعای نویسنده مبنی بر اینکه "نخستین گروهی که به تأسیس بنای مدارس اسلامی اقدام کردند، شیعیان بودند" قابل نقد است. اگرچه شیعیان در دوره هایی مانند عصر آل بویه نقش برجسته ای در تأسیس مدارس داشتند، اما مدارس اسلامی اولیه عمدتاً توسط اهل سنت تأسیس شدند. برای مثال، دارالحکمه بغداد در دوره عباسیان و مدارس نظامیه تحت حمایت سلاجقه از جمله نخستین مدارس با ساختار آموزشی مدون بودند. بنابراین، تأسیس مدارس اسلامی تنها مختص شیعیان نبوده و این ادعا بدون اشاره به شواهد مستند تاریخی قابل مناقشه است. بنابر این، ماهیت تاریخی این تحقیق، اقتضا نمود که از روش تاریخی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شود. منظور از مدارس، به کلیه دارالعلم ها، مکتبخانه ها، بیت علماء سایر مکانهایی که به نحوی در آن مباحث آموزشی و کلامی مورد بررسی قرار می گرفت. منظور از دارالعلم، مدارس با ویژگی خاص بودند که دارای چندین اتاق، کتابخانه و سایر موارد آموزشی بودند و در آن تدریس، مناظرات کلامی و علمی صورت می گرفت.

پیشینه تحقیق

در زمینه جایگاه آل بویه و تأثیرات آن بر فرهنگ و سیاست دوران خود، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که به بررسی ابعاد مختلف این دوره پرداخته اند. در اینجا برخی از مهم ترین پژوهش های مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند.

اروجی نیک آبادی (1393) در مقاله ای با عنوان "جایگاه آل بریدی در مناسبات سیاسی آل بویه و خلافت عباسی پیش از فتح بغداد (۳۲۸ - ۳۳۴ ق)" به بررسی نقش آل بریدی در

روابط سیاسی میان آل بویه و خلافت عباسی پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که آل بریدی در این دوره نقش مهمی در تحولات سیاسی ایفا کرده‌اند و تعاملات آنان با خلافت عباسی تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های آل بویه داشته است. (اروجی نیک‌آبادی، ۱۳۹۳: ۸۱-۹۷).

پروانه (1399) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت شیعی امامیه دوران آل بویه در محتوای تجارب‌الامم مسکویه رازی (جلد پنجم و ششم)" به تحلیل مؤلفه‌های هویتی شیعه در دوران آل بویه پرداخته است. در این تحقیق، پروانه به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آل بویه در تثبیت هویت شیعی امامیه اشاره می‌کند و نقش آن را در توسعه فرهنگی و سیاسی بررسی می‌نماید (پروانه، ۱۳۹۹: ۱).

قاسم‌پور (1393) نیز در مقاله‌ای مشابه با مقاله اروجی نیک‌آبادی، موضوع "جایگاه آل بریدی در مناسبات سیاسی آل بویه و خلافت عباسی پیش از فتح بغداد (۳۲۸ - ۳۳۴ ق)" را بررسی کرده و روابط میان آل بویه و خلافت عباسی در این دوره را تجزیه و تحلیل نموده است. قاسم‌پور به طور ویژه به موقعیت سیاسی آل بریدی و نقش آنان در تعاملات با خلافت عباسی پرداخته و آن را در بستر تاریخ سیاسی آل بویه توضیح داده است (قاسم‌پور، ۱۳۹۳: ۸۱-۹۷).

شاهرخی (1399) در مقاله‌ای مشابه با پروانه، به بررسی "میزان توجه به مؤلفه‌های هویت شیعی امامیه در دوران آل بویه" پرداخته و به تحلیل محتوای "تجارب‌الامم" مسکویه رازی پرداخته است. این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که در دوران آل بویه، هویت شیعی امامیه در متون تاریخی و فلسفی آن زمان نقش پررنگی داشته است و این موضوع به‌طور ویژه در آثار مسکویه رازی منعکس شده است (شاهرخی، ۱۳۹۹: ۱).

گراوند (1399) در پژوهشی مشابه با شاهرخی، "بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت شیعی امامیه در محتوای تجارب‌الامم مسکویه رازی (جلد پنجم و ششم)" را به تفصیل بررسی کرده و به تأثیرات هویتی این مؤلفه‌ها در تاریخ‌نگاری شیعی در دوران آل بویه پرداخته است. این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که در دوران آل بویه، هویت شیعی امامیه به طور چشمگیری در متون علمی و فلسفی آن دوره تأثیر گذاشته است (گراوند، ۱۳۹۹: ۴۱).

شرایط سیاسی و اجتماعی قرن چهارم هجری

در آغاز قرن چهارم هجری آثار آشفته‌گی اجتماعی و فرهنگی در ممالک اسلامی رو به افزایش نهاده بود. با تسلط غلامان ترک و با شیوه‌ای که پیش گرفتند، تعصب و ناامنی و مداخله در امور دینی و دنیایی مردم آغاز شد. در دوران خلافت المستکفی و المتقی بغداد در آتش فقر و اضطراب و ناامنی می‌سوخت. پیروان حنبلی در بغداد چنان گستاخی می‌کردند که به خانه‌های امرا می‌رفتند و به نام حفظ دین، وسایل عیش و نوش را درهم می‌شکستند و هنرمندان و موسیقی‌دانان را کتک می‌زدند (راوندی، ۱۳۵۴: ۲/۲۴۳). ابن اثیر می‌نویسد: «در این سالها کار حنبلیان بالا گرفت و هنجارشان فرهنگ یافت. چنانکه به خانه فرماندهان و سالاران یورش بردند. اگر باده‌ای می‌دیدند، به زمین می‌ریختند و اگر خنیاگری را می‌یافتند او را کتک می‌زدند و ابزار خنیاگری او را می‌شکستند و در خرید و فروش دخالت می‌کردند، اگر مردی را با زن و کودکی می‌دیدند از حال‌شان جويا می‌شدند، اگر خویش بودند که هیچ‌والا مرد را کتک می‌زدند و نزد فرمانده شرطه‌ها می‌بردند و گواه به بدکاری وی می‌دادند و بغداد در هم ریخته بود» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱/۴۸۶۳).

ناامنی‌ها به جایی رسیده بود که بسیاری از مردم بغداد خانه و شهر و دیار خود را رها کردند و به سرزمینهای دیگر ممالک اسلامی روی آورده بودند. ترکان به بهانه‌های مختلف، مخالفان خود را زندانی کردند و اموال آنان را مصادره می‌کردند. در نتیجه خلیفه برای رهایی از این وضع از آل بویه استمداد جست و آنان را به یاری خواست. با ورود آل بویه به بغداد و تسلط آنان در دستگاه خلافت عباسی، بازار جهل و تعصب تا حدودی کنار رفته و در پناه امنیت و آسایش نسبی امور فرهنگی رونق یافت. روشهای خلفای عباسی با تشیع در بغداد متفاوت بود و این شهر رونق فرهنگی یافت. بعد از تسخیر بغداد در سال ۳۳۴ق به دست معزالدوله بویه‌ای، حلقه‌های درس و بحث و مناظره در رشته‌های مختلف علمی در بغداد رونق گرفت. بدون شک عصر آل بویه از دیدگاه فرهنگی از درخشان‌ترین دوران فرهنگ و تمدن اسلامی است. آثار برجسته دانشمندان درزمینه‌های مختلف علمی در این دوره تا حد زیادی مرهون حاکمان فرهیخته آل بویه است. بسیاری از دانشمندان از وزیران و نزدیکان آنان بودند. این عصر باعث گسترش و شکوفایی اندیشه‌عالمان، فقیهان و محدثان گردید و هزاران دانشمند در حوزه‌های معارف اسلامی تربیت و به فرهنگ اسلام معرفی گردیدند (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۵۰).

آل بویه در دوران خود اهمیت زیادی به زبان و ادبیات عرب قائل بودند. این گرایش به دلایل مختلفی اتفاق افتاد. نخست، زبان عربی به عنوان زبان دین اسلام و ابزار اصلی انتقال علوم

دینی و فکری در جهان اسلام شناخته می‌شد. آل بویه که خود به عنوان حاکمان شیعه در قلمروهای اسلامی ظهور کردند، در تلاش بودند تا مشروعیت سیاسی خود را با استفاده از زبان عربی تقویت کنند. علاوه بر این، در دوره‌ای که تحت سلطه خلافت عباسی بودند، تأکید بر زبان عربی به عنوان زبان علم و فلسفه نیز در میان درباریان و نخبگان فرهنگی رواج داشت. همچنین، زبان عربی در آثار علمی، ادبی و فقهی دوره آل بویه نقش اساسی داشت، به‌ویژه در تولید و گسترش متون فلسفی و دینی که توسط علماء و فیلسوفان عرب‌زبان تألیف می‌شد. وزیران آنان مانند المهبلی و ابن عمید و صاحب بن عماد عربی دان و عربی نویس بودند، چرا که زبان عربی یک زبان دینی و مذهبی بود و زبان رسمی کشورهای اسلامی نیز به شمار می‌رفت و غالب دانشمندان کتابهای علمی را به عربی می‌نوشتند. اگرچه کسانی مانند ابن سینا (م: ۴۲۸) و ابوریحان بیرونی (م: ۵۴۰ق) آثار علمی خود را به زبان فارسی نگارش کرده‌اند. اما دانشمندان بزرگ دیگر چون ابونصر فارابی و زکریای رازی و... آثار خود را به تازی نوشته‌اند. در قرن چهارم بر اثر نفوذ و گسترش علوم و معارف اسلامی کتابهای زیادی به زبان عربی نوشته شد که این ندیم در فهرست تعداد زیادی را از آنها نام برده است. بسیاری از فضلا و شعرای دربار آل بویه «ذواللسانین» بودند و زبان فارسی و عربی را خوب می‌دانستند و غالباً از یک زبان به زبان دیگر ترجمه می‌کردند (سجادی، ۱۳۶۶: ۲۱-۲۲). هرچند که در عصر سامانیان به زبان، فرهنگ و تمدن فارسی توجه ویژه‌ای می‌شد (همان، ۲۳-۲۴).

نقش مدارس و کتابخانه‌ها در ارتقاء نظام آموزشی و اقدامات فرهنگی

با آغاز حکومت آل بویه در ایران و عراق مدارس شیعی در بیشتر شهرهای اسلامی به ویژه نقاط شیعه نشین به سرعت گسترش یافت. وجود محافل تدریس و برپایی مناظره‌ها و ساخت مدارس به همراه تأسیس کتابخانه‌های غنی، از آشکارترین و شاخص‌ترین مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در عصر آل بویه است. فناخسرو عضدالدوله بویه ای در سال ۳۶۷ق دستور طرح عمارت بزرگ و مجموعه فرهنگی آستانه حسینی را داد و مدرسه بزرگی بنام مدرسه عضدیه را بنا نمود (شبلی، احمد، ۱۹۵۴: ۵۴). سید رضی نخستین دارالعلم شبانه روزی جهان اسلام را ۸۰ سال پیش از مدارس نظامیه در بغداد تأسیس کرد. سنت تدریس در مساجد و کتابخانه‌ها، دکانها، مکتب خانه‌ها، منازل علماء، بیت الحکمه‌ها (شبلی، احمد، ۱۹۵۴: ۵۴)، پس از تأسیس مدرسه بزرگ شیعی به دست شیخ طوسی در سال ۴۴۸ق ادامه یافت (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

از مهمترین مدارس این دوره، دارالعلم شاپور وزیر است که نمونه مدرسه‌الازهر فاطمیان بود و به دستور بهاءالدوله ساخته شد و وجود محله‌های متعدد برای فروش کتاب به اهمیت علم آموزی در این دوره اشاره دارد، به گونه‌ای که در کرخ بغداد نزدیک به صد کتاب فروش فعال بودند (کرمر، جوئل، ۱۳۷۵: ۱۰۰). مدارس مهم تأسیس شده در قرن چهارم و پنجم مانند: شمس الاسلام، حسکا بابویه که در آن مجلس وعظ و مناظره و نماز جماعت و تلاوت قرآن برپا می شد و مدرسی چون قاضی عبدالجبار و سید رازی که به درس اصول دین و فقه و علم شریعت مشغول بودند (رازی قزوینی، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۷). در دوران حکومت آل بویه ساخت کتابخانه به عنوان یک گرایش مهم نه تنها میان عالمان، بلکه توسط امیران و وزیران رایج گردید. امکانات مالی گسترده در اختیار وزیران در هر رشته از علم و ادب قرار داده می شد و بهترین و نفیس‌ترین کتابها نوشته شد و مهمترین کتابخانه‌ها به وجود آمد. در عصر آل بویه، آثار چشمگیری از دانشمندان در زمینه‌های گوناگون علمی به وجود آمد (فدایی عراقی، ۱۳۸۳: ۸۶). از کتابخانه‌های معروف این دوره می توان به کتابخانه عضدالدوله در شیراز اشاره کرد (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۴۶۹).

کتابخانه صاحب بن عباد که بعدها به فخرالدوله و مجدالدوله رسید که در حمله سلطان محمود غزنوی به ری در آتش سوخت و فهرستش به ده مجلد بالغ می شد و برای حمل آن به چهار صد شتر نیاز بود (همانجا). کتابخانه حیدری نجف که در حرم امام علی(ع) قرار داشت و تاریخ بنیاد آن به درستی معلوم نیست، ولی عضدالدوله دیلمی یکی از مهمترین کسانی است که نامش در این بنیاد گره خورده است (شلی، ۱۹۵۴: ۱۵۴) عضدالدوله، حقوقی برای فقها، محدثان، پزشکان، مهندسان، ریاضیدانان و... مقرر کرده بود و قسمتی از قصر خود را به حکما و فلاسفه اختصاص داده بود (ابن مسکویه، ۱۳۸۹: ۶/ ۴۸۱). همچنین در قصر بزرگ خود در شیراز، کتابخانه‌ای دایر کرد و زمانی که به بغداد رفت، آن کتابخانه را نیز با خود بدانجا منتقل کرد و گفته شده هر کتابی که تا آن زمان نوشته شده بود در کتابخانه وی یافت می شد (مقدسی، ۶۶۸/۲ - ۶۶۹). از دیگر امرای فرهنگ دوست آل بویه می توان از شرف الدوله، بهاء الدوله و تاج الدوله پسران عضدالدوله و نیز مجدالدوله نام برد. شرف الدوله به علم هیأت و نجوم علاقه بسیاری داشت و به همین دلیل رصدخانه معروف بغداد را با همکاری ویجن بن رستم که در هندسه و هیأت سرآمد بود، تأسیس کرد (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۰۷ و ۴۷۹). مجدالدوله آنقدر به مطالعه کتاب اشتغال داشت که از تدبیر امور مملکت باز ماند و این موضوع باعث آشفستگی اوضاع و سقوط حکومت او شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۱۷۰).

قفطی، شمار بسیاری از این دانشمندان را نام برده که تعدادی از آنان، مناصب وزارت، قضاوت، دبیری و مناصب دیگری داشته اند، از جمله ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن الدوله که مسکویه از مراتب فضل و دانش او بسیار سخن گفته است، صاحب بن عباد، وزیر مؤید الدوله و فخرالدوله، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی دبیر عضالدوله، قاضی تنوخی، سید مرتضی، نقیب طالبیان و ابو علی مسکویه رازی، خازنی عضالدوله و ابن ماکولا. عصر آل بویه، عصر کتاب و کتابخانه بود. حجم عظیمی از کتابهایی که در علوم گوناگون به رشته تحریر در آمده گواه بر بسط و گسترش فرهنگ و علوم و توجه به آن در آن برهه از تاریخ است (ابن مسکویه، ۱۳۸۹: ۳۴۱-۳۳۸). تعدادی از کتابهای مهم شیعه در همین دوران تألیف شده است، مانند کتاب من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق و الاستبصار و تهذیب الأحکام از شیخ طوسی که هر سه از کتب اربعه شیعه به شمار میروند. همچنین کتاب الشفاء، القانون و الاشارات شیخ الرئیس ابوعلی بن سینا (خضری، ۱۳۹۲: ۷۴). برخی از این کتب برای عضالدوله نوشته و به او اهدا شده، مانند کتاب الايضاح و التکملة در نحو، تألیف ابو علی فارسی التاجی و در تاریخ خاندان بویه، تألیف ابواسحاق صابی و کتاب ملکی در طب، تألیف علی بن عباس اهوازی که پیش از تألیف کتاب قانون که مهمترین مرجع در علم پزشکی بوده است (ذهبی، ۱۹۹۴م: ۴/ ۵۱).

عوامل مؤثر در شکوفایی فرهنگی و علمی در دوره آل بویه

در دوران آل بویه، اوضاع و شرایط سیاسی به گونه‌ای بود که زمینه‌ساز رشد و توسعه فرهنگ و دانش شد. این شرایط و عوامل مختلفی به این شکوفایی کمک کردند که در زیر به ترتیب تقدم و اهمیت به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. **ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی:** آل بویه با ایجاد ثبات در مناطق تحت سلطه خود، زمینه را برای گسترش علوم و فرهنگ فراهم کردند (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶).
۲. **حمایت از دانشمندان و علما:** آل بویه با حمایت از علم و فلسفه، از جمله تأسیس مدارس و کتابخانه‌ها، نقش مهمی در پرورش نخبگان علمی داشتند (ابن اثیر، ۱۳۷۶).
۳. **گسترش زبان و ادبیات عرب:** زبان عربی به عنوان زبان علم و دین در این دوره تقویت شد و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد (موسوی، ۱۳۹۱).

۴. **تأسیس مدارس و مراکز علمی:** تأسیس مدارس بزرگ مانند مدرسه عضدیه و حمایت از فعالیت‌های علمی باعث رشد قابل توجه دانش شد (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

۵. **مناظرات علمی و فرهنگی:** برگزاری مناظرات علمی و فرهنگی در دربار آل بویه، فرصتی برای تبادل اندیشه‌ها و توسعه علوم مختلف فراهم آورد (شبللی، احمد، ۱۹۵۴: ۵۴).

در این زمینه لازم است نخست، سهم سلاطین آل بویه، اندیشمندان شیعه و سنی، مکتب خانه‌ها، مدارس، حوزه‌ها آنگاه نقش کتاب و کتابخانه‌ها در این دوره مورد بررسی قرار گیرد. نقش امرا و وزرای آل بویه در تأسیس کتابخانه‌ها قابل توجه است. علاوه بر کتابخانه عضدی، کتابخانه حبشی فرزند معزالدوله در بصره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است که علاوه بر جزوات غیر مجلد دارای پانزده هزار جلد کتاب بوده است (همان، ۳۲۱). کتابخانه ابوالفضل بن عمید، وزیر دانشمند رکن الدوله در ری نیز از چنان اهمیتی برخوردار بود که ابوعلی مسکویه از دانشمندان برجسته قرن چهارم ریاست آن را بر عهده داشت. تعداد کتابهای این کتابخانه بیش از صد بار شتر بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۳۰۴). از دیگر کتابخانه‌های مهم، کتابخانه صاحب بن عباد بود که کتابهایش به صد بار شتر می رسید. بیشتر این کتابها از آثار فلسفی و کلامی بود که سلطان محمود غزنوی پس از تصرف ری، تمام آنها را آتش زد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۱۵/ ۱۹۶).

ابومنصور بن مافنه، وزیر ابوکالیجار کتابخانه‌ای در فیروزآباد دایر کرد که هفت هزار جلد کتاب داشت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۲۵۳). در سال ۳۸۳ هجری اولین دارالعلم که مشابه مدارس نظامیه بغداد بود به همت شاپور فرزند اردشیر وزیر بهاءالدوله تأسیس شد و آن را با کتابخانه بزرگی که داشت وقف علاقه مندان کسب دانش کرد. این دارالعلم دارای صد نسخه قرآن خوش خط و ده هزار و چهارصد مجلد کتاب بود که به خط مؤلف، نوشته شده بود (همان، ۱۴/ ۳۶۶). این فعالیتها و خدمات فرهنگی که در سایه سیاستها و حمایتهای امرای آل بویه به انجام رسید، سبب رونق دانش شد، آنچنان که مسکویه در این زمینه می گوید: دانشهای مرده، زنده شد، مردان آنکه پراکنده بودند، گرد آمدند، جوانان به آموختن و پیران به آموزش دادن پرداختند، ذوقها به جوش آمد، بازار کساد دانش، رونق گرفت و هزینه سنگین این کارها همه از بیت المال پرداخت می شد (ابن مسکویه، ۱۳۸۹: ۶/ ۴۸۱-۴۸۲). آل بویه در کنار خدمات فرهنگی،

اقداماتی نیز برای آبادانی قلمرو خود انجام دادند. گرچه این خدمات به گستردگی تلاشهای فرهنگی آنان نبود، اما به همان میزان قابل توجه است. بیشتر این اقدامات مرهون توجه و تلاش های عضالدوله بوده است که از این جهت، حکومت او را نسبت به دیگر امرای آل بویه ممتاز کرده است.

عصر آل بویه، به لحاظ تعلیم و تربیت و نوشتن کتب و ایجاد مدارس و کتابخانه، هم نسبت به دورانهای دیگر، امتیاز داشت. در آن زمان در هر رشته ای از علم و ادب بهترین و نفیس ترین کتابها نوشته شد و باشکوه ترین و مهمترین کتابخانه ها و گنجینه های علوم به وجود آمد. در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه هائی وجود داشت که در هیچ زمانی نظیری بر آنها پیدا نشد(اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۷۳). در آن دوره، مکتب اتاکی کوچک بود که در کنار مسجد یا بازار قرار داشت. مکتب دارای دو مرحله بود: یک مرحله برای تعلیم خط یا تعلیم حساب و صرف و نحو بوده است که به این مرحله، «کتاب» گفته می شد. و مرحله دوم، برای یاد دادن قرآن و حفظ کردن آن به کودکان طبق استعداد خود هر روز قسمتی از آن را به خاطر می سپردند.

اقدامات علمی و خرد ورزی در عصر آل بویه

منظور از علم، علم(دانش) کیفیتی بود که عالمان را توصیف می کردند و نام آنان نیز از ریشه همین واژه گرفته شده است. علم در وهله نخست دانش سنت و قانونهای فقهی و دینی برآمده از آن است. حدیث که درباره گفتار و کردار پیامبر(ص) بود. در این دوره انتقال شفاهی حدیث از طریق گروه گسترده ای از مردم که در این مفهوم عالمان، نام داشتند، صورت میگرفت. برخی از این افراد بخش مهمی از زندگی خود را به مطالعه حدیث و علوم دینی دیگر اختصاص می دادند و برخی زمان کمتری برای این امور گذاشته بودند. اینان ممکن بود در برخی زمینه ها عالم باشند و در برخی نباشند و ممکن بود بعضی از همکاران آنها، آنان را در شمار عالمان بیاورند و برخی از آنها را عالم ندانند(روی، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۴۷).

عضالدوله نه تنها به تشویق شاعران می پرداخت، بلکه خود نیز شعر می سرود و از شعرشناسان زمان خود بود. گذشته از اشعاری که از وی باقی مانده، تذکره ای نیز از او برجا مانده است که ظاهراً یادداشت های روزانه او بود. از جمله شاعران دربار عضالدوله می توان از ابن نباته، متنبی خوارزمی و شاعران طبری زبان همچون دیوارهوز را نام برد. تحت تشویق و حمایت عضالدوله، متون و آثار بسیاری به رشته تحریر درآمد که هنوز هم بسیاری از این متون جز متون کهن رشته ادبیات شناخته می شود. تاج الدوله، پسر عضالدوله نیز ادیب ترین و شاعرترین

امرای آل بویه بوده است. خسرو فیروز ملقب به ملک عزیز، پسر جلال الدوله و فناخسرو، پسر ابوطاهر بن بهاءالدوله نیز دستی در شاعری داشتند و ابیاتی از آنان برجای مانده است (شاه محمدی، ۱۴۰۱: ۷۳). از این روی، دربار آل بویه مرکز توجه علماء و جایگاه فضلا و نویسندگان تازی دان بود که ابن عمید از بزرگترین آنان به شمار می آمد (سجادی، ۱۳۶۶، ص ۲۴-۲۳). قرآن، حدیث، تفسیر فقه یا همان قوانین شرع، اصول دین و بعدها هم علومى مثل صرف و نحو عربی، منطق و ادبیات عرب که به یادگیری مباحثی که در ابتدا ذکر شد یاری می رسانند در مساجد تعلیم داده می شد. دوره تحصیلات فلسفی در این عصر، وابسته به تحصیل علوم انسانی بود (ضمیری، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۲).

دوره تحصیلات شامل: صرف و نحو و شعر و خطابه، منطق، فلسفه که شامل اخلاق و سیاست و طبیعیات و ریاضیات و مابعدالطبیعه بود. ترتیب مواد درسی براساس طبقه بندی اصیل ارسطویی از علوم است که بر طبق آن فلسفه نظری به طبیعیات و ریاضیات و مابعدالطبیعه و فلسفه عملی به سیاست و تدبیر منزل و اخلاق تقسیم می شود. به روایتی این شاخه از دانش که دربرگیرنده صناعات شعر و صرف و نحو خطابه است «دوره جامع» المحيط نام دارد (کرمر، ۱۳۷۵، ص ۳۹ - ۳۸). طبقه بندی معروف فارابی از علوم نیز که در آن مواد آموزشی عالی همانند مواد درسی مذکور در زندگینامه ارسطو به بیان شده به دوره تحصیلاتی اشاره می کند که فلاسفه اسلامی دنبال می کردند. فارابی اینها را چنین برمی شمارد: ۱. علوم زبانی (صرف و نحو، نوشتن و خواندن و شعر) ۲. منطق ۳. ریاضیات (حساب و هندسه، علم مناظر و مزایا، هیئت، موسیقی، علم اثقال، علم حیل) ۴. طبیعیات؛ ۵. مابعدالطبیعه ۶. سیاست (شامل فقه و کلام). احصای فارابی از علوم و مواد درسی مذکور در زندگی نامه عربی ارسطو به حوزه وسیع انسان گرایانه برنامه آموزشی اشاره می کند که فلاسفه اتخاذ کرده بودند.

در کنار این انسان گرایی فلسفی در عصر آل بویه، با نوعی انسان گرایی ادبی نیز مواجه می شویم. که در کلمه ادب خلاصه می شود. ادب واژه ای است پر معنا و به معنی تهذیب و مدنیت. دانشی که شخص را مہذب و متمدن می کند، یعنی فرهنگ و علوم غیردینی عربی، تحقیقات انسان گرایانه، دانش مورد نیاز برای حرفه خاص و ادبیات (کرمر، ۱۳۷۵: ۴۱-۴۰). از حاملان عمده این فرهنگ انسان گرایانه ادبی می توان به این افراد اشاره کرد: وراقان، کاتبان، عمال حکومتی، ادیبان، ندیمان شاعلی در دیوانها و دربارهای حکومتی. به گفته کابریلی ماحصل ادبی این ادب انسان گرایانه، پشتوانه فرهنگ عالی عباسیان بود. در چنین محیطی، هوشمندی و حسن و لطافت و فصاحت ارج و منزلتی والا داشت. ظرافت هسته مرکزی و جوهر اصلی این

تهذیب فرهنگی بود(همان جا). ندیمان جایگاهی در حد وسط میان روشن اندیشان و مردان عمل داشتند. کاتب دیوان آموزگار و شاعر و مورخ و ندیم بود. از اهداف علمی و آمال فرهنگی روشن اندیشان و مردان عمل حمایت می کرد و در عین حال در شیوه زندگی قدرتمندانی که در خدمت آنها بود نیز سهیم می شد. گنجینه اطلاعات ابن ندیم ممکن بود گزیده ای شیرین از احادیث نبوی تا اقوال حکمت امیز فرزنانگان یونانی و ایرانی و حکایت تاریخی قطعه های ادبی و شعر و هزلیات را دربرگیرد(کرمر، ۱۳۷۵: ۴۰-۴۱).

در این دوره، تفوق نسبی هشیاری عقلی خاصه در میان فیلسوفان و دانشمندان مورد توجه است. علوم خفیه تکامل یافته در اواخر باستان به جهان اسلام منتقل شد تا جایی که در میان اندیشمندان طرفدارانی هم به دست آورد. علوم متداول آن دوران بخشی مربوط به قرآن و تفسیر و قرائت و فقه و قرائت و فقه و کلام و لغت و صرف و نحو عرب که آن را علوم نقلی نامیدند که استدلال در آن کمتر مشاهده می شد و بنای آن به نقل و سماع از مشایخ سلف بود و نیز آن دانشها که از ملل دیگر گرفته بودند و فلسفه و هندسه و نجوم و موسیقی، طب و کیمیا و ریاضیات از آن جمله بود که همه این علوم را علوم عقلی گفتند که بنای آن بر استدلال و عقل بود(حسن ابراهیم، ۱۳۸۰: ۶۶۴). تعالیم اخوان الصفا که یکی از میهمانان ضیافت بزرگ اندیشه در عصر آل بویه بودند، گسترده بود. در این دوره که قشرهای دانش دوست دیگری نیز می زیستند و فعالیت می کردند، می بایست موارد دروس متنوع تر از این باشد و اقسام گوناگونی را شامل شود. از دلایلهای دیگر این مسأله ترجمه آثار متفاوت از سایر زبانها و حتی تصحیح آنها بود که از آن با عنوان نهضت ترجمه یاد می شود. در این انقلاب علمی، اقلیت اهل ذمه و مسیحیان در صفوف نخستین، حاضر بودند.

از ویژگی های حیات علمی در عهد آل بویه این است که علاوه بر شیعیان که قدرت عرض اندام یافتند، پیروان سایر مذاهب و ادیان نیز به گسترش و رواج افکار خویش مشغول بودند. مسیحیان بویژه یحیی بن عدی، به ترجمه آثار و افکار فلاسفه یونان پرداختند و بسیاری از عقاید آنان را که مبتنی بر خردورزی و عقلانیت فارغ از وحی بود، در جامعه رسوخ دادند. نهضت علمی این دوره تنها نهضت احیای فقه اسلامی - شیعی نبود، بلکه برای گسترش آن نیز همه فرق و مکاتب، بدون مانعی از جانب حکومت وارد عمل شده بودند. فضای تساهل و تسامح برخاسته از روح شیعی امیران آل بویه، راه را برای ورود انواع افکار علمی از سایر مکاتب و مذاهب، حتی عقاید الحادی کاملاً باز کرده بود.(فدایی عراقی، ۱۳۸۳: ۸۳). بنابراین، در عصر آل بویه، عقل ورزی، دانش دوستی، خرد محوری و تساهل و تسامح را پیشه خود کردند و محافل

و مدرسه های علمی را ایجاد کردند و مردمان را شیفته دانایی خود کردند و نهایتاً به اعتلای جامعه و حاکمیت آل بویه کمک شایانی کرد. همچنان که وقتی غزنویان، سلجوقیان و... با عقل و علوم عقلی بیگانه شدند، مشکلات بسیاری گریبانگر حاکمیت و جامعه شد

اهمیت مکانهای تشکیل مجالس و مناظرات

آموزش دانش های گوناگون نیازمند مراکزی بود که بتوان از این مراکز برای مطالعه و استراحت طالبان علم بهره برد. این مراکز در ابتدا با چنین ویژگی هایی وجود خارجی نداشت، با گذشت زمان و شکل گیری نیازها در سده چهارم هجری چنین مراکزی بوجود آمد. علمای شیعه به رغم محدودیت هایی که داشتند در ایجاد مدارس دینی نسبت به رهبران سایر فرقه های اسلامی پیشتاز بودند. آنان در ابتدا در مساجد و منازل، کتابخانه ها و دارالعلم ها به امر آموزش می پرداختند. با آغاز حکومت آل بویه در ایران و عراق مدارس شیعی در بیشتر شهرهای اسلامی به ویژه نقاط شیعه نشین به سرعت گسترش یافت. وجود محافل تدریس و برپایی مناظره ها و ساخت مدارس به همراه تأسیس کتابخانه های غنی از بارزترین مؤلفه های توسعه فرهنگی در عصر آل بویه می باشد. فناخسرو عضالدوله بویه ای در سال ۳۶۷ ق دستور طرح عمارت بزرگ و مجموعه فرهنگی آستانه حسینی را داد و مدرسه بزرگی به نام مدرسه عضدیه بنا نمود (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

مساجد

مساجد از ابتدا جایگاه اساسی برای آموزش های اسلامی بود. پیامبر (ص) در مسجد می نشست و مسلمانان برای آموختن آموزه های اسلامی، گرد او حلقه می زدند. این کردار در میان مسلمانان سنت گردید به گونه ای که پس از آن، پیامبر (ص)، حلقه های درس در مساجد برپا می شد. معلمان قرآن و قاریان، راویان حدیث و مفسران، نحویان و لغویان هر کدام در مسجد ستونی داشتند که بر آن تکیه می زدند و طالبان علم گرد آنها جمع شدند (خطیب بغدادی، بی تا: ۲۴۸) در عصر آل بویه، موقعیت مساجد به عنوان یکی از مهمترین مراکز تعلیم و تربیت حفظ شد. (همانجا) و اساتیدی که در مسجد، به ویژه مساجد جامع تدریس می کردند، اعتبار و اهمیت بالایی داشتند (حموی، ۱۹۹۰: ۱/۲۴۶).

بنابر برخی از گزارش ها خواندن شعر و آموزش آن و نیز دانش عروض نیز گاهی در مساجد انجام می گرفت، تاریخ بغداد نیز از چند شاعر نام می برد که در سده های پنجم در جامع منصور

در بغداد و در روزهای جمعه به تدریس دیوان شعر خود می‌پرداختند (بغدادی، ۱۹۹۰: ۷/ ۷۸) و ۸/ ۲۲۷).

منازل امیران و وزیران

امیران و وزیران آل بویه چون بسیاری دیگر از امیران دولت‌های متقارن آن، فرهنگ و دانش را زینت محافل خود کرده بودند. عضدالدوله به شیوه دوران عظمت و جلال خلفای عباسیان، مجالس شبانگاهی داشت که حاضران به موسیقی، شعر خوانی و مباحث علمی نیز می‌پرداختند. سلطان در قصر، در اتاقی مجاور محل سکونت خویش، جایی را برای علما و فضلا و سایر افرادی که خصوصیت ویژه‌ای داشتند، در نظر گرفته بود تا فارغ از ازدحام و مزاحمت و گرفتاری‌های روزمره در کمال آرامش با متخصصان رشته‌های مختلف به فحص و بحث بپردازند. معمولاً وی جلسات فضلا و دانشمندان را بر مجالس اشراف و امرا ترجیح می‌داد (ابن جوزی، ۱۳۵۷: ۷/ ۳۴۰). ابو محمد مهلبی وزیر معزالدوله نیز مجالس شبانه بسیاری داشته که ابو حیان توحیدی برخی از گفت‌وگوهای آن را ثبت کرده است. (توحیدی، ابو حیان، ۱۴۱۹ق: ۲۲۸). ابن سعدان وزیر نیز به رغم فضایی آکنده از توطئه و دسیسه که رقیبان در دربار علیه او ایجاد کرده بودند، به تشکیل مجالس عالمانه با دانشوران و دانشمندان همت می‌نمود. بنابر گزارش ابو حیان توحیدی در الامتاع، ابن سعدان مردی زاهد و پارسا بود، در عین حال علایق فلسفی نیز داشت و با فلاسفه همدل بود و همین گرایش، او را به برقراری مجالس علمی ترغیب می‌کرد. وی به برپایی این انجمن‌ها فخر می‌فروخت و دانشمندان و یاران فرزانه مجالس صاحب بن عباد و ابن عمید و مهلبی و دیگر وزیران نامدار را در مقایسه با مجلس خود به چیزی نمی‌گرفت. (همان، ۱۴۲۱ق: ۸۳).

دارالعلم‌ها و کتابخانه‌ها

از دیگر مراکز تشکیل مجالس علمی در آن دوره، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها بود. در کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها علاوه بر جمع آوری کتابها، به آموزش و تربیت شاگردان در موضوعات خاص می‌پرداختند. طالبان علم از نقاط دوردست برای کسب دانش به این مراکز مهاجرت میکردند و علاوه بر استفاده از مخزن کتاب از حضور اساتید نیز سود می‌جستند. دارالعلم‌های ویژه شیعیان نیز در این دوره در بغداد و دیگر شهرها تأسیس یافته بود که از آن میان می‌توان به دارالعلم‌های صاحب العباد، شاپور بن اردشیر، سیدرضی، سید مرتضی اشاره کرد. در دوره آل بویه که تشکیل مناظره علمی، کلامی و ادبی در مکانهای مختلف رونق یافته بود، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها نیز شاهد برگزاری بسیاری از این مناظره‌ها بود. سید رضی نخستین دارالعلم شبانه روزی جهان

اسلام را ۸۰ سال پیش از نظامیه در بغداد ایجاد کرده بود. سنت تدریس در مساجد و کتابخانه ها، دکانها، مکتب خانه ها، منازل علما، بیت الحکمه ها. (شیلی، ۱۹۵۴م: ۵۴) پس از تأسیس مدرسه بزرگ شیعی به دست شیخ طوسی در سال ۴۴۸ق ادامه یافت (شهیدی صالحی، ۱۳۸۶: ۵۴۹) از مهمترین مدارس این دوره دارالعلم شاپور وزیر است که از روی نمونه مدرسه الازهر فاطمیان به دستور بهاءالدوله بنا نهاده شد و وجود محله های متعدد برای فروش کتاب نیز به اهمیت علم آموزی در این دوره اشاره دارد (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

کتابخانه صاحب بن عباد که بعدها به فخرالدوله و مجدالدوله رسید که در غلبه سلطان محمود به ری به آتش کشیده شد و فهرست منابع آن به ده مجلد بالغ می شد و برای حمل آن، بنا بر قول خود صاحب بن عباد چهارصد شتر نیاز بود (همان جا) مؤلف کتاب تاریخ آموزش در اسلام از کتابخانه دیگری نام می برد بنام حیدری نجف که در حرم امیرالمومنین قرار داشته و شیعیان اهمیت زیادی به این کتابخانه می دادند. تاریخ تأسیس آن به درستی معلوم نیست ولی عضدالدوله دیلمی یکی از کسانی است که نامش در این بنیاد گره خورده است (شیلی، ۱۹۵۴: ۱۵۴). وی جالبترین بخش این کتابخانه را قرآنهایی با خط یاقوت و احمد تبریزی می داند و در ادامه می نویسد: «کتابهای گرانبهای بسیاری مانند دست نوشته الرسائل الشیرازیه از ابوعلی فارسی به تصحیح خود نویسنده نخستین جلد معجم الادبا التقریب اثر دیگر از مؤلف نهج البلاغه امام علی (ع)، المعترض الحکمه از هبه الدین علی نگاشته در تاریخ ۳۳۸ق و آثار گرانبهای دیگری از شیعه امامت و وصایت به چشم دیدم و قرآنی که می گویند به خط خود امام علی (ع) که هم اکنون در کتابخانه قرار ندارد، بلکه در ضریح مطهر جای گرفته است (همان جا)

در این زمینه این آثار و آثار مشابه، نه تنها نمایانگر جنبه های علمی و دینی دوره آل بویه هستند، بلکه نشان دهنده تأثیر عمیق اندیشه های شیعی در شکوفایی علمی و فرهنگی این عصر می باشند.

مناظرات در عصر آل بویه

مناظرات حضوری

نوع تشکیل مناظرات از نظر چگونگی شروع و اداره کردن و خاتمه دادن به آن بستگی داشت که مجلس امیران باشد یا وزیران و یا دانشمندان. مجالس امیران و وزیران اغلب پر زرق و برق و همراه با سرودن شعر، سرود و نوازندگان، سازها را می نواختند و در انتها نیز با شعری یا

لطیفه‌ای با عنوان «ملحه الوداع» یا «خاتمه المجلس» پایان می‌پذیرفت. (توحیدی، بی تا: ۲/۲۶). اما وجه مشترک همه مجالس این بود که مناظره با طرح مسأله‌ای آغاز می‌شد و شرکت‌کنندگان با خاطری آسوده در مقام پاسخ برمی‌آمدند. مجلس ابن سعدان وزیر ابوحیان به این صورت بوده که وزیر مسأله‌ای را مطرح می‌کرد، ابوحیان به آن پاسخ می‌گفت (همان، ۱/۱۹). گاه نیز به این صورت اتفاق می‌افتاد که در مجلس به کسی فرمان داده می‌شد تا با شیخی مناظره کند. نقل شده است وقتی ابن عدی فیلسوف در بغداد از مجلس وزیری دیدار می‌کرد و گروهی از اهل کلام نیز حاضر بودند، وزیر به اهل کلام فرمان می‌داد تا با شیخ یحیی که رئیس و سخنگوی مکتب فلسفی بود، مناظره کنند. نکته جالب آنکه ابن عدی درخواست مناظره را رد می‌کند و عذر می‌آورد که متکلمان مبانی اصطلاحات او را درک نمی‌کنند و او نیز مصطلحات ایشان را نمی‌فهمد. وزیر نیز عذر ابن عدی را می‌خواهد و سنجیده بودن عمل او را تصدیق می‌کند (همان: ۲/۷۸).

گاه نیز مجلس به این صورت شروع می‌شد که فرد با اظهار کردن مدعای خود، افراد را به مبارزه علمی فرا می‌خواند و کسی که مقام علمی خود را هم‌تراز با حریف می‌دید، در مقام پاسخگویی برمی‌آمد. ابوحیان نقل می‌کند که چگونه سجستانی و یارانش در آغاز بهار به قصد تفرج و استراحت از بغداد بیرون رفتند و در آنجا در خصوص هنر و طبیعت مجلسی برپا کردند که طبیعتاً موضوع بحث را نیز در اینجا موقعیت بحث تعیین کرده است (همان: ۱/۱۱۲). مجلس مناظره گاه بدون پیش‌بینی قبلی انجام می‌گرفت، مثل رویارویی اتفاقی بصری و سجستانی. ابوحیان در این باره می‌نویسد: «ابوسلیمان برای ما نقل کرده است که در قطیعه الربیع در مجلس ولیمه‌ای حاضر شد و آنجا ابوعبدالله بصری را دید و در کنارش با او به گفت‌وگو پرداخت. بصری لگام از زبان خود برداشت و تا آنجا پیش رفت که با تمسخر پرسید: ای ابوسلیمان در فلسفه‌ات چیزی یافته‌ای که بر آن اعتماد باشد» (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۷/۱۸-۱۷). سجستانی به طور مختصر پاسخ می‌دهد که کلام و تعالیم اهل جدل را غرور بیهوده می‌داند و از این رو به احترام مجلس آرامش خود را حفظ می‌کند و فقط به قرائت یک بیت شعر اکتفا می‌کند: انسانها مختلف‌اند و خصائل گوناگون دارند، اما گور، همه آنها را گرد می‌آورد) (توحیدی، ۱۹۶۵م: ۲۱۳-۲۱۲).

مناظرات غیر حضوری

مناظرات و مجادلات گاه به صورت غیر حضوری و به شیوه مکاتبه و ارسال نامه انجام می‌گرفت. بدین صورت که یکی از موافقان یا مخالفان درباره موضوع مورد بحث، تحقیق و بررسی

می کرد و حاصل آن را به صورت مکتوب در دسترس همگان قرار می داد. آنگاه صاحب نظر مخالف بر آن ردیه می نوشت که گاه این وضعیت چندین بار تکرار می شد. در این راستا، رساله الغفران از ابوالعلاء معری قابل ذکر است که در پاسخ به نامه علی بن منصور حلبی، معروف به ابن قارح نوشته شده است. ابن قارح در نامه خود ضمن بیان شوق دیدار او، مسائلی چند را درباره ادب، فلسفه، زندقه، تصوف، تاریخ، امور دینی، فقه، نحو، لغت و غیره مطرح کرده و بر زندقه می تازد و درنکوهش وزیر مغربی (دوست ابوالعلاء) نیز سخنانی گفته است. در بخش دوم، ابوالعلاء به یکایک پرسش‌های ابن قارح پاسخ گفته و ضمن پاسخ‌ها، درباره مسائل دیگر هم بحث کرده است. برای مثال، از زمان و مکان، تناسخ، مذهب قرمطیانو مسائل مورد اعتقاد مذهب حلولی سخن گفته و آنها را نقد کرده است. انتقادهای ابوالعلاء آمیخته با سُخریه و طنز است (فاخوری، ۱۳۷۴: ۵۱۲-۵۱۳).

موضوعات مناظرات در دوره آل بویه را مطالب گوناگونی درباره فلسفه، اخلاق، کلام، شریعت تصوف، ادب، حساب و نیز اصول فقهی مذاهب گوناگون تشکیل می داد. خوشبختانه بخش بزرگی از گفت و شنودهای علمی این دوره از مجالس مختلف (ادبی، فلسفی و کلامی) و حتی موضوعات مورد بحث در انجمن‌های مخفی اخوان الصفا در کتاب‌های مختلفی چون المقابسات و الامتاع ابوحنبلان توحیدی و نیز مجالس شیخ مفید و دیگر کتاب‌ها به جا مانده است (توحیدی، بی تا، ۶۴۸-۶۴۴). لذا روزانه تعداد زیادی مجلس بحث و فحوص علمی و ادبی، در عصر آل بویه و در گوشه و کنار حوزه اقتدار ایشان، به ویژه شهرهایی چون بغداد، بصره، ری و شیراز تشکیل می شد. عالمان و دانشمندان بسیاری در حوزه‌های مختلف علمی گرد هم جمع شده و به مناظره و مجادله علمی می پرداختند که این فضای فرهنگی را نخبگان آفریدند و آن نیز ممکن نبود، مگر در سایه حمایت‌های حاکمان و وزیران و دربار آل بویه. برخی از مورخان، این امر را ناشی از مشرب فکری این خاندان دانسته‌اند و برخی هم از این فراتر، فضای فرهنگ حاکم بر قرن چهارم و تمدن حاصل از آن را مدیون خاندان‌های شیعی حاکم بر سرزمین‌های اسلامی در این دوره می‌دانند. کرمر در پایان کتاب احیای فرهنگی در عهد آل بویه، چنین بیان می کند:

بنابر این، قرن چهارم هجری را قرن حاکمیت شیعه می نامند، چرا که سه حاکمیت شیعی در جهان اسلام سه برتری داشتند: آل بویه در بین‌النهرین و غرب ایران، حمدانیان در شام، فاطمیان در مصر؛ حتی سامانیان خراسان با آنکه سنی بودند، اغلب مستعد نفوذ شیعه اسماعیلی بودند... این حکومت‌های شیعی هیچ‌گاه در صدد متحد شدن یا حتی تحمیل مذهب خود به جمعیت

سنی بر نیامدند، اما تا اندازه بسیاری، عامل توسعه فرهنگی شدید بود که پیش رفت (کرم، ۱۳۷۵: ۲۸۸). متفکران اسلامی در همان دوره، بحث یا مدتی پس از آن به عیب‌جویی از این مجالس پرداخته و به نکته‌های منفی قابل توجه و نتایج زیان‌آور آن اشاره کرده‌اند. غزالی از آن دسته متفکرانی بود که از دستاوردهای منفی و اهریمنی این مناظره‌ها غافل نبود و سعی می‌کرد از بهره‌گیری نادرست از مناظره‌ها جلوگیری کند. وی «المنقول فی علم جدل» را در این زمینه نوشت (ابن خلکان، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۸۷).

همچنین فصلی از کتاب احیای علوم دین را به این مهم اختصاص داد. غزالی نتایج منفی مناظره‌ها را در موارد زیر دسته‌بندی می‌کند: رشک و حسد رقیبان و هم عصران، رنجاندن حریف و ایجاد احساس نفرت و کینه دوزی، ناسزاگویی و دشنام به یکدیگر، خودستایی و دروغ‌پردازی، استفاده از ناتوانی‌ها و سستی‌های حریف برای خرد کردن وی، سالوس و دورنگی، عشق به تحسین و ستوده شدن و در نهایت، لجاجت در نپذیرفتن حقیقت. به گفته غزالی این عیب‌ها و چند عیب دیگر، آفریده نهاد مناظره می‌باشد. البته او به طور کامل با مناظره سر ستیز نداشت، بلکه از دیدگاه او مناظره واجب کفایی بود و همچنین معتقد بود نباید بر سر موضوعاتی که پیش نمی‌آید، مناظره کرد (غزالی، ۱۴۰۳ ق: ۱/ ۴۵-۴۸). از نظر غزالی، مناظرات علمی نقش بسیار مهمی در رشد و گسترش دانش ایفا می‌کردند، اما باید تنها در موارد ضروری و برای روشن کردن مسائل علمی و دینی برگزار می‌شدند. این رویکرد او به مناظره باعث می‌شد که مناظرات در جهت ارتقای علمی و فلسفی جامعه اسلامی قرار بگیرند و از تبدیل آن‌ها به مجادلات بی‌حاصل جلوگیری شود.

جمع‌بندی در این زمینه نشان می‌دهد که دیدگاه غزالی نسبت به مناظرات علمی به‌عنوان یک ابزار مهم برای ترویج دانش و تفکر انتقادی در جامعه اسلامی، همواره بر لزوم استفاده هدفمند و اصولی از آن‌ها تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

اوضاع و شرایط سیاسی به وجود آمده در جهان اسلام، زمینه مناسبی برای رشد و توسعه فرهنگ و دانش در عصر آل بویه پدید آورد که آل بویه در آن نقش چشمگیری داشتند. ایجاد دارالعلم‌ها و مدارس، به‌ویژه در مراکز علمی و فرهنگی، زمینه‌ساز تشکیل جلسات و مناظرات کلامی و علمی بود که حاکمان و وزرای آل بویه در گسترش این امر نقش زیادی ایفا نمودند. این مدارس و مناظرات علمی موجب گسترش علم و تبادل آراء میان اندیشمندان از گروه‌ها و فرقه‌های مختلف شد و به‌ویژه توجه به مبانی عقلگرایی در این دوره موجب شکوفایی علمی و فلسفی گردید.

دلایل اثرگذاری این مدارس و مناظرات در توسعه فرهنگی و علمی عصر آل بویه به شرح زیر است:

۱. گسترش فضای علمی و فرهنگی: برپایی مدارس و دارالعلم‌ها فرصت‌های جدیدی برای آموزش و تبادل اندیشه‌های مختلف فراهم کرد. این فضاها به مرکز آموزش عالمان جدید تبدیل شد و موجب پرورش نخبگان علمی و فکری در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله فلسفه و کلام، شد.
۲. پیشرفت علمی از طریق مناظرات: مناظرات کلامی و علمی به‌ویژه میان جریان‌های امامیه و معتزله، به ارتقاء سطح تفکر فلسفی و عقلی کمک کرد. این مناظرات موجب عمق بخشیدن به مباحث فکری و برطرف کردن چالش‌های علمی در حوزه‌های مختلف شد.
۳. حمایت حکومتی و تسامح فرهنگی: حمایت‌های آل بویه از دانشمندان و حمایت از آزادی آراء و اندیشه‌ها باعث شد که فضایی باز و آزاد برای بروز تفکرات جدید ایجاد شود. تسامح حکومتی در اصول کشورداری، به‌ویژه در پذیرش و حمایت از دانشمندان مختلف با گرایش‌های متفاوت، موجب گسترش علمی و فرهنگی شد.
۴. همگرایی فرهنگی و فکری: در این دوره، همگرایی میان مدارس مختلف فکری مانند امامیه و معتزله، منجر به شکوفایی علمی و فرهنگی شد. تأکید بر عقلگرایی باعث ایجاد تحولات فرهنگی و پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌های علمی گوناگون گردید.

در نتیجه، تاثیرات این مدارس و مناظرات در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در این دوره به‌ویژه در گسترش معارف مختلف و پرورش عالمان برجسته مشهود است. این دستاوردها باعث ارتقاء سطح علمی جامعه اسلامی شد و زمینه‌ساز پیشرفت‌های علمی در دوره‌های بعدی گردید.

منابع و پژوهش ها

* قرآن

* نهج البلاغه

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی(۱۳۷۱)، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه علمی. ابن
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد(۱۳۶۳)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن مسکویه رازی(۱۳۸۹)، احمد بن محمد، تجارب الامم، ج ۵، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق(۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم(۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- بغدادی(۱۳۸۸)، عبدالقاهرین طاهر، الفرق بین الفرق، به اهتمام محمد جواد مشکور، تهران: گویا.
- حموی، یاقوت(۱۴۱۴)، معجم الادبا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، تهران: سروش.
- رازی قزوینی، عبدالجلیل(۱۳۸۵)، النقض، تصحیح میرجلال الدین محدث اموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین(۱۳۹۲)، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- قفطی، علی بن یوسف(۱۳۷۱)، تاریخ الحکما، به تصحیح بهمن دارایی، تهران: دانشگاه تهران.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد(۱۳۶۱)، احسن التقاسیم، فی المعرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

منابع عربی

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی(۱۴۱۲ق)، المنتظم، ج ۷، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____، (۱۳۸۵ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، بیروت: دارالصار.
- ابن خلکان(۱۴۱۷)، وفيات الاعیان، ج ۱، تصحیح محمد مرعشی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم(۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.

توحیدی ابوحيان(۱۴۲۱)، البصائر و الذخائر، بیروت، نشر دار صادر.

_____،(۱۴۲۱ق) الصداقه و الصديق، ، دمشق، سوریه، نشر دارالفکر

_____، بی تا، الامتاع و الموانسه، ویرایش احمد امین، بیروت، دارالمکتبه حياه.

_____،(۱۹۶۵م)، مثالب الوزیرین، ویرایش محمد بن نایب الطبخی، دمشق، المجمع العربی

حموی، یاقوت(۱۴۱۴ق)، معجم الادبا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، تهران، انتشارات سروش.

_____،(۱۹۹۰م)، معجم البلدان، ج ۴، تصحیح فرید عبدالعزیز جندی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

خطیب بغدادی، ابوبکر(۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد(۱۹۹۳م)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ط الثانية.

غزالی، ابوحامد(۱۴۰۳ق)، احیاء علوم دین، ج ۱، بیروت.

شبللی، احمد(۱۹۵۴م)، تاریخ التریبه الاسلامیه، بیروت، دارالکشاف.

پژوهش ها

آدام متز(۱۳۸۸)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.

حسن، حسن ابراهیم(۱۳۸۰)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاوید. خضری، احمدرضا و همکاران(۱۳۹۲)، تاریخ تشیع ۲، تهران: سمت.

راوندی، مرتضی(۱۳۵۴)، تاریخ اجتماعی ایران، حکومتها و سلسله های ایران از حمله اعراب تا استقرار مشروطیت، ج ۲، تهران.

زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۷۷)، تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

سجادی، سیدضیاءالدین(۱۳۶۶)، شرح احوال و آثار ابن عمید، تهران: پازنگ.

شاه محمدی، مریم(۱۴۰۱ش)، آل بویه و نقش آن بر حیات فکری و اجتماعی ایران و جهان اسلام، گیلان: بلور.

شبللی نعمانی(۱۳۸۶)، محمد، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی، تهران: اساطیر.

شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۶)، دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران: محبی.

ضمیری، محمدعلی (۱۳۸۰)، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز: ساسان.

فاخوری، حنا (۱۳۷۴)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: توس.

فدایی عراقی، علیرضا (۱۳۸۳)، حیات علمی در عهد آل بویه، تهران، دانشگاه تهران.

متحده روی، پرویز (۱۳۸۸)، اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه، مشهد، خانه آبی

مکدموت، مارتین (۱۹۹۳م)، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.

کرمر، جوئل (۱۳۷۵)، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمدسعید خیالی کاشانی، تهران، نشر دانشگاهی.

گروهی از نویسندگان (۱۳۸۷)، "مجموعه مقالاتی پیرامون آل بویه"، خلاصه مقالات نخستین همایش فرهنگی - پژوهشی آل بویه، رشت: نشر بلور.

The role of schools and debates in the promotion of cultural and educational activities of Al-Buyeh era

Abstract

In the age of Al-Buyeh, they responded to the doubts and objections of the opponents by forming schools, scientific assemblies and the company of thinkers and supporting scientific and religious thoughts and ideas. One of the features of this course is the formation and holding of scientific and cultural debates and meetings and the importance of the basics of rationalism. During this period, the center of the Islamic caliphate had become a center for the exchange of opinions and cultural interactions, and there was an opportunity for various ideas to emerge. This research, with a historical method based on a descriptive-analytical approach, tries to analyze the role of Al Boyeh in establishing schools, forming scientific assemblies and promoting cultural and educational services. The governors of Al-Buyeh greatly contributed to the growth and development of theological, religious and scientific teachings by supporting the establishment of schools, attracting intellectuals and expanding the councils. In this period, the convergence between Al-Buyeh, Imamiyyah and Mu'tazila emerged and the attention to rationalism caused all-round scientific flourishing. This provided many achievements such as expansion of schools, education of scholars, increase of debates and progress of various educations and ultimately resulted in the flourishing of Islamic culture and civilization.

Keywords: Al Boyeh, schools, Darul Alam, debates, rationalism.